

کارکردهای زنان خاندان حکومتگر در خلافت فاطمیان مصر

معصومه دهقان^۱

چکیده

زنان در خاندان حکومتگر فاطمی مصر (۳۵۸-۵۶۷ ه.ق/۹۶۸-۱۱۷۱ م) به سبب برخورداری از ثروت و منزلت اجتماعی، منشأ آثار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای در جامعه مصر گردیدند.

این نوشتار، به دنبال تحلیل کارکردهای زنان در خلافت فاطمی می‌باشد تا نمایان شود مقام و جایگاه آنان چه کارکردهایی در سیاست، اجتماع و فرهنگ مصر عصر فاطمی را برای آنان رقم زده است. (پرسش) بهره‌مندی از منزلت و نفوذ در دربار خلافت، به زنان فاطمی مانند دیگر سرزمین‌های جهان اسلام قدرت و موقعیت برتری می‌داد. (فرضیه) کارکردهای زنان خاندان فاطمی، در این پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرد تا بازشناسی هدفمندی در این بافت از جامعه مصر فاطمی ارائه گردد. (روش) دستاورد تحقیق، شناسایی گونه‌های کارکردی زنان خاندان فاطمی در مصر می‌باشد. کارکردهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زنان فاطمی، در این پژوهش ردیابی گردید. این کارکردها، گویای نتایج بهره‌برداری زنان از قدرت و منزلت اجتماعی در جامعه فاطمی مصر می‌باشد. (دستاورد)

واژگان کلیدی

فاطمیان مصر، زنان فاطمی، کارکردهای زنان.

^۱. استادیار دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی: ma.dehghan@shirazu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۸

مقدمه

زن، به عنوان عضوی مهم از جامعه اسلامی، در مسائل اجتماعی و اقتصادی نقش فعالی داشتند. در این میان، زنان خاندان‌های حکومتگر در کنار نقش‌هایی که به سبب قدرتمندی و اجازه حضور در جامعه و فرهنگ عصر خود داشتند، در عرصه‌های سیاسی نیز نقش‌هایی را ایفا می‌کردند. این نقش اگرچه در زمان‌هایی در پی اعمال نفوذ قدرت‌مداران آثار تخریبی بر جای می‌گذاشت، اما آنچه اهمیت دارد، چگونگی دوام و بقای این حضور در حلقه‌های حکمرانی و این تأثیرگذاری است.

اهمیت نقش زن در عصر فاطمیان مصر، مشابهت‌ها و مفارقت‌هایی با دیگر سرزمین‌های اسلامی دارد؛ در مقایسه دیدگاه فرق و حکومت‌های مختلف اسلامی، فاطمیان و اسماعیلیان در موقعیت‌های دینی و سیاسی، ارزش‌گذاری متفاوت و نسبتاً والاتری در مسئله زن داشته‌اند. این نکته، از نوشته‌های بعضی گروه‌های اسماعیلی برمی‌آید که وضعیت زنان در نزد اسماعیلیان از جهت حقوق اجتماعی، در مرتبه بالاتر از زنان هم‌عصر خود نزد فرق و مذاهب دیگر بوده است. آنان دارای آزادی نسبی بودند و همین آزادی، موجب شده که در چشم متعصبان سنی مذهب به هرزگی و فسق متهم شوند (لوئیس، ۱۳۷۰: ۱۴۱). اسماعیلیان فاطمی بر حضور فعال زنان همانند مردان در صحنه‌های اجتماعی، تأکید می‌کردند (چلونگر، ۱۳۹۳: ۱۰۶).

در این پژوهش، به نقش و کارکرد زنان در حلقه حکمرانی فاطمیان مصر (۳۵۸-۵۶۷ق/۹۶۹-۱۷۱م) پرداخته می‌شود که البته باید اذعان داشت که این حضور، در سایه نگاه خاص مذهبی اسماعیلیان فاطمی به مقام و جایگاه زن می‌باشد. زن در جامعه مصر فاطمی، حضور فعالی داشته است؛ خواه این زنان از طبقه مرفه ساکن در قصرها بودند و یا از زنان مصری، زنان مسلمان، اهل ذمه و یا کنیزان بودند. در حقیقت، جوامع اسلامی قرون میانه، هر سه گروه از این زنان را در خود داشتند و از نظر شیوه زندگی، هر گروه از سایر گروه‌ها متمایز بودند.

آنچه تردیدی در آن نیست، این است که وضعیت زن مسلمان در آن زمان، به‌طور کلی از نظر مذهبی، شیعه اسماعیلی بودن، ثروتمندی و شرایط سیاسی‌اش و ارتباط با خلافت و حکومت، متفاوت بود. فاطمیان، خلافتی را تشکیل دادند که برای زنان این دوره، فرصت حضور در صحنه حوادث را رقم می‌زد؛ شخصیت‌هایی که برخی از آنها، با قدرت تمام، در

اجرای امور حکومتی نقش آفرینی می‌کردند. بعضی از زنان با برخورداری از احترام ویژه، در امور مذهبی و ساخت مساجد، آرامگاه‌ها و بناهای عام‌المنفعه، در اجتماع فاطمی ظاهر می‌شدند.

تکیه اصلی این پژوهش، در بررسی وضعیت زن در عصر فاطمی بر زنان ساکن قصر می‌باشد. بر اساس منابع این عصر، اطلاعات در مورد زنان فاطمی قابل دسترس‌تر می‌باشد؛ درحالی‌که کمتر در مورد زنان عامه مطالب قابل استنادی موجود است. ما ناچاریم جایگاه زنان جامعه را بر اساس این منابع بررسی کنیم؛ هرچند در بهره‌برداری از مراتب قدرت، زنان خاندان‌های حکومتگر با زنان عامه قابل قیاس نیستند.

روش تحقیق

در این پژوهش، کاربست گونه‌شناسی کارکردگرا مورد توجه نگارنده بوده است؛ گونه‌شناسی، تقسیم‌بندی و تنظیم داده‌هاست؛ با توجه به مشخصات آنها و بر پایه معیار یا معیارهای خاص. این معیارها می‌توانند عینی، ساده و غیرمتعدد باشند، نظیر: جنس، سن و نژاد، و یا ذهنی باشند، مانند ایدئولوژی و عقیده‌ای خاص. در همه علوم، مخصوصاً علوم انسانی، گونه‌شناسی اهمیت بسیاری دارد (ساروخانی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۲۶۳). گونه‌شناسی کارکردگرا (Fonctionnaliste)، از شاخه‌های مهم گونه‌شناسی است که در پژوهش پیش رو مورد تأکید قرار می‌گیرد. این نوع گونه‌شناسی، هنگامی مطرح می‌شود که به کارکرد یا نقش روابط انسانی یا پدیده‌های مورد نظر توجه شود و گروه‌های اجتماعی و افراد را بر حسب وظایف و رفتار آنان در اجتماع طبقه‌بندی می‌کند و مبتنی بر انجام و به‌هم‌پیوستگی کردارهای اجتماعی است (بریمو، ۱۳۳۷: ۴۱). محوری‌ترین مفهوم در این شیوه، واژه «کارکرد» است که به معنای نتیجه و اثری است که انطباق یا سازگاری یک ساختار معین یا اجزای آن را با شرایط لازم محیط (اجتماع) فراهم می‌نماید. بنابراین، معنای کارکرد، اثر یا پیامدی است که یک پدیده در ثبات، بقا و انسجام نظام اجتماعی دارد؛ به بیان دیگر، گونه‌شناسی کارکردگرا هر پدیده یا نهاد اجتماعی را از نظر روابط آن با تمامی جامعه که آن پدیده یا نهاد جزئی از آن است، مورد شناخت قرار می‌دهد. بنابراین، گونه‌شناسی کارکردگرا بدیلی است برای تبیین‌های تاریخی، ظهور نهادها و جمعیت‌های عمل‌گرا یا جوامع گوناگون.

با توجه به مفهوم گونه‌شناسی کارکردگرایانه نسبت به ماهیت جامعه عصر فاطمی، تحلیل حاضر تلاشی است که گونه‌های مورد نظر، یعنی زنان خاندان فاطمی، در جهت حفظ و توجیه نظام موجود در مقابل ایجاد تغییر و دگرگونی در جامعه انجام می‌دادند. بر همین اساس، کارکردهایی را در راستای حفظ این نظم سامان می‌دادند. وظایف کارکردی این گونه‌ها (زنان فاطمی) را بر اساس گزاره‌های این نظریه می‌توان مورد تحلیل قرار داد؛ از جمله: تلقی جامعه به مثابه یک نظام و توجه به نیازها و ضرورت‌هایی که باید برآورده می‌شد تا بقای این نظام تضمین گردد و اجزای تشکیل‌دهنده آن در این مسیر عمل نمایند و نیز رابطه عناصر تشکیل‌دهنده ساختار اجتماعی خلافت فاطمی با همدیگر و با کل جامعه در تأمین نیازهای نظام فاطمی در کانون توجه قرار می‌گرفت. بر همین مناسبت، زنان فاطمی در این نظام به صورت اجزایی از یک نهاد هستند که هرکدام با کارکردی خاص موجودیت جزئی از کل را رقم می‌زدند و به سوی اهداف معین پیش می‌رفتند. پیوستگی و وابستگی متقابل بین اجزای نظام فاطمی نیز از گزاره‌های مهم کارکردهای این ساختار می‌باشند.

پیشینه تحقیق

در مورد نقش و جایگاه زنان خاندان حکومت‌گر فاطمی، منابع تاریخی کمی می‌توان یافت. در تعدادی از آثار نویسندگان معاصر، به طور غیرمستقیم به اوضاع زن در عصر فاطمی اشاره شده است. از مهم‌ترین کتاب‌های معاصر که موضوع زن در عصر فاطمی را به شکل ویژه مورد بررسی قرار داده، کتاب *المرأة فی مصر فی العصر الفاطمی* نگاشته نریمان عبدالکریم احمد می‌باشد. این کتاب، به صورت جامع، جایگاه و وضعیت زنان اجتماع مصر عصر فاطمی را مورد کنکاش قرار داده است و مسائل حقوقی، سیاسی و اقتصادی مرتبط با آنها را بیان کرده است؛ در حالی که این پژوهش، به صورت خاص، به زنان خاندان حکومت‌گر فاطمی می‌پردازد و کارکردهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها را مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین، تألیفات عبدالمنعم ماجد نیز مانند کتاب *الحاکم بامرالله* به نقش سیاسی ست‌الملک و آداب اجتماعی که خلیفه حاکم آنها را برای زنان واجب کرده بود، می‌پردازد و نیز کتاب *المستنصر بالله* که به بررسی سیطره مادر المستنصر بر حکومت و کارکرد سیاسی او که منجر به آشفته‌گی اوضاع کشور شد، سخن می‌گوید. جلد دوم کتاب *نظم الفاطمین و رسومهم فی مصر*، به وضعیت کاخ‌های فاطمی، ذکر زنان و لباس رایج در میان آنان

می‌پردازد. کتاب *ظهور و خلافة الفاطمیین و قصورها فی مصر* دربرگیرنده اوضاع حکومت فاطمی از جنبه سیاسی، اقتصادی و مذهبی است که در خلال بیان این مسائل، به کارکردهای زنان خاندان فاطمی نیز پرداخته شده است. مقالات اندکی به نقش زنان در خلافت فاطمیان مصر پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به مقاله «جایگاه زن در تشکیلات دعوت فاطمی» اشاره کرد که محمدعلی چلونگر به حضور فعال زنان در نظام دعوت فاطمی پرداخته است و از این جهت که به نقش سیاسی و عمرانی زنان خاندان خلافت ورود نکرده است، با پژوهش حاضر متفاوت است. همه پژوهش‌های فوق، به صورت‌های مختلف، اشاراتی به حضور زنان در عرصه سیاست و فرهنگ در خلافت فاطمی داشته‌اند؛ اما پژوهش حاضر، به کارکردهای سیاسی و اجتماعی - فرهنگی زنان در خلافت فاطمی پرداخته است. با نگاهی به منابع عصر فاطمی، همان‌گونه که اشاره گردید، در عرصه سیاست و اجتماع خلافت فاطمی با توجه به سنت‌ها، عقاید و آموزه‌های دینی، زنان خاندان، کارکردهای متفاوتی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در این حوزه از سرزمین‌های اسلامی داشته‌اند. بر اساس شاخصه‌های مشارکتی زنان در این عصر، کارکردهای آنها را در خلافت فاطمی می‌توان این‌گونه تقسیم‌بندی کرد:

الف. کارکردهای سیاسی زنان در ساختار قدرت فاطمی

کارکردهای سیاسی، به تمامی اقدامات و عملکردهایی اطلاق می‌شود که یک نهاد سیاسی برخوردار از قدرت و حاکمیت بر عهده می‌گیرد. زنان فاطمی در خلافت با حضور در حلقه حکمرانی و بهره‌مندی از ابزارهای قدرت و ثروت، توانستند کارکردهای مهمی را در امور سیاسی خلافت به انجام برسانند. مجموعه کارکردهای آنان در نظام سیاسی و اداری خلافت فاطمی، به تحولات سیاسی در حاکمیت خلافت منجر گردید که شعاع این قدرت و نظم سیاسی، تمامی گستره خلافت فاطمی را درنوردید. ورود پی‌درپی زنان فاطمی در عهد خلفا و نیز پرشماری آنها، کارکردهای سیاسی اثرگذاری را به دنبال داشت. زنان فاطمی به عنوان اجزای تشکیل‌دهنده نهاد قدرت خلافت فاطمی، با استفاده از منزلت خود و نیز حضور در حلقه حکمرانی، کارکردهای سیاسی خاصی را به نمایش می‌گذاشتند.

۱. جایگاه الجهات العالیة در خلافت فاطمی

برای بیان کارکردهای سیاسی زنان خاندان فاطمی در نهاد قدرت و حاکمیت، باید ابتدا بیان کنیم که آنها چگونه اجزای تشکیل دهنده حلقه حکمرانی را تکمیل می‌کردند و مراحل برخورداری سیاسی را در این مسیر چگونه طی می‌نمودند.

قصرهای فاطمی، آکنده از حضور مردان و زنان با موقعیت و مقامات مختلفی بود که بر مبنای وابستگی‌شان به خلیفه توانگری می‌یافتند. در این قصرها زنانی حضور می‌یافتند که می‌توانستند کارکردهای اثرگذاری را در سیاست، فرهنگ و اجتماع مصر عصر فاطمی رقم بزنند. به نظر می‌رسد که احوال و وضعیت زنان در قصرهای اسلامی در قرون میانه تاریخ اسلام، تقریباً مانند هم بوده باشد؛ زیرا این گروه از جامعه نسبت به سایر زنان، با بهره‌برداری از امتیاز رفاه و تنعم، و به دلیل نزدیکی به خلفا می‌توانستند در امور سیاسی و حکومتی دخالت کنند. بهره‌مندی از قصرهای اختصاصی و ثروت‌های فراوان و همچنین حقوق‌های معین، امکان ورود آنها را به عرصه‌های قدرت سیاسی و اثرگذاری بر تصمیمات خلفا و بزرگان حکومتی هموار می‌کرد (عبدالکریم احمد، ۱۹۹۳: ۴۵).

بانوان و زنان قصر، شامل همه زنان منتسب به خلیفه بودند و به طور عمومی، به آنان صفت «حریم» داده می‌شد. قصر الحریم، محل سکونت زنان محرم با خلیفه بود که از طریق سرداب به اتاق‌های خلیفه متصل می‌شد. این نوع اتصال در ساختمان، در اغلب قصرهای اسلامی رایج بود. نامگذاری قصر بانوان خلیفه به نام «حریم» نیز در تمامی قصرهای اسلامی دیگر رواج داشت (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۳۵). تعدد همسر، به‌ویژه در عصر دوم، در میان خلفای فاطمی امری رایج بود؛ درحالی‌که خلیفه المعز (۳۴۱-۳۶۵ق/۹۵۳-۹۷۵م) به یک همسر اکتفا کرد و رعیت خود را نیز به این امر تشویق می‌نمود (همان: ۳۰۲).

همسر خلیفه، عنوان «الجهه» داشت؛ اما عنوان «الجهة العالیة» متعلق به زنانی بود که از قدرت اثرگذاری بر امور سیاسی و اداری در قصر برخوردار بودند. این عبارت، به بیش از یک زن نسبت داده می‌شد. این امر، نمایان می‌کند که بیش از یک زن نزد خلیفه مورد احترام بود. برای همین، گاهی عبارت «الجهات العالیة» به کار برده می‌شد (همان). مقریزی، عبارت «الجهات المحترمات» را نیز ذکر کرده که شاید به طور عموم، به همه زنان خلیفه اطلاق می‌شد (همان: ۲۷۱). عنوان دیگر، «کبراء الجهات» است که شاید ناظر به منزلت و

جایگاه این زنان، از نظر سن و تقدم در بین همسران خلیفه بود. عبارت «الجهة المعظمة» (مقریزی، ۱۹۹۶، ج ۳: ۸۶) را نیز می‌یابیم که منظور از آن، همسر خلیفه المستنصر و مادر فرزندش عبدالله بود. به نظر می‌رسد که همسران و کنیزان فرماندهان و دولتمردان، از چنین القابی برخوردار نبوده‌اند و به آنان تنها عنوان «الجهة» اطلاق می‌شده است (ماجد، ۱۹۸۵: ۳۷).

عبارت «الدار الجلیلة»، به معنای زنی بود که در میان همسران خلیفه، موقعیت اثرگذارتری در امور داشت. عبارت «الدار الجدیلة» نیز احتمالاً منظور همسران جدید خلیفه بوده است. از آنچه گفته شد، روشن می‌شود کلمه‌های «دار» و «جهه»^۱ در قصر فاطمی به معنای همسر خلیفه استعمال می‌شده است (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۹۵).

۲. اداره امور قصرها و بارگاه‌ها

یکی از ویژگی‌هایی که در قصرهای فاطمی نسبت به دیگر قصور اسلامی بیشتر تأکید شده، اداره امور قصرها توسط بانوان حرم می‌باشد. این کارکرد، در منابع عصر فاطمی بیان شده است. زنان خاندان حکومتگر فاطمی، در اداره قصرها همکاری می‌کردند که این امر، به دخالت آنان در امور اداری و حکومتی منجر می‌گردید؛ آنها به امور اجرایی و نظارتی قصرها احاطه کامل داشتند و این موضوع، اختیارات بسیاری را برای ایشان در برداشت مردی که بر قصر نظارت داشت، به نام «زمام القصر» شناخته می‌شد که به امور قصر و به خصوص زنان ساکن در آن رسیدگی می‌کرد (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۳۲ و ۳۵۹؛ ابن تغری بردی، ۱۳۹۲، ج ۴: ۹۵). آنچه بر اهمیت این پست دلالت می‌کرد، حضور چهار زن از زنان قصر بود که در کارهای مختلف قصر نماینده او بودند (عبدالکریم احمد، ۱۹۹۳: ۴۵). این کارمند، از جمله شخصیت‌های مقرب خلیفه و آگاه از اسرار او به شمار می‌آمد و در انتظار جلوس خلیفه در کنار وزیر و رئیس بیت‌المال می‌ایستاد. از خزانه لباس‌های قصر، برای او لباس‌هایی تزئین شده و فاخر می‌آوردند و هریک از بانوان که نمایندگان زمام القصر بودند، لباسی از حریر بر تن داشتند (همان: ۲۹۶). از جمله وظایف او، اطلاع‌رسانی درباره مرگ و میرهای قصر و اشراف بر امور کفن و دفن ساکنان آن بود. آنان در منطقه الزعفران که

^۱. کلمه «جهه» در لغت، اسمی برای ناحیه است؛ ولی زن‌گران قدر یا کنیه‌ای برای زنان خلیفه یا کنیزان محترم نزد خلیفه. این کلمه، با ادات تعریف، لقبی بود برای مؤنث حقیقی.

مخصوص دفن خلفا و خاندان فاطمی بود، دفن می‌گشتند (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۸۸و۲۰۶). قلکشندی بیان می‌دارد که شغل زمام قصر، همانند زمامدار در عصر مملوکی می‌باشد (قلکشندی، بی‌تا، ج ۴: ۲۱؛ همان، ج ۵: ۵۶).

کارکرد اداری زنان درباری در قصرهای خلفای فاطمی، بسیار متنوع بوده است؛ مانند نظارت بر سفره‌ها و مهمانی‌های قصر خلیفه که مسئول آن به «المعملة مقدمة المائدة» ملقب بود (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۹۴-۳۶۳). گنجینه لباس خلیفه با عنوان «خزانة الكسوة الباطنة» نیز که لباس‌هایی که مخصوص خلیفه که در اندرونی می‌پوشید و به آن وارد می‌شد، توسط بانویی ملقب به «زین الخزان»^۱ اداره می‌شد. این زن در اواخر عصر فاطمی، رومی بوده است و سی‌کنیز در امور او خدمت می‌کردند. خلیفه، لباس‌هایش را تنها آنجا تغییر می‌داد و جز در این گنجینه، در هیچ جای دیگر لباس‌هایش را عوض نمی‌کرد. لباس‌های داخل حریم، با سایر لباس‌ها تفاوت داشت. وسعت آستین آن، نصف لباس‌های ظاهری بود. گنجینه لباس‌های خلیفه، فقط همین گنجینه بود که در اختیار این بانوان حفظ و نگهداری می‌شد (ابن طویر، ۱۴۱۲: ۱۲۹). حضور خلیفه در این خزانه، به زنان کارمند در این حوزه قدرت و نفوذ بسیاری می‌بخشید. خزانه شراب نیز که یکی از خزانه‌های مهم قصر بود، به دست یکی از خدمتکاران زن مورد اعتماد در قصر اداره می‌شد (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۹۴-۳۶۳). به علاوه این مقامات ارشد قصر فاطمی، زنان پُرشمار دیگری بودند که به آنان «المستخدمات ارباب الصنائع» اطلاق می‌شد (همان: ۴۶۱، ۳۶۳، ۳۵۶، ۲۹۴). کارکرد اداری زنان قصر و اداره امور توسط آنها، به ارتباطات گسترده آنان با دیوان‌های مالی و نظارتی در خلافت فاطمی منجر می‌گردید.

افزون بر این، پزشکان قصر با یاری بانوان، به مقامات حکومتی و اداری دست می‌یافتند. هرچقدر قدرت و موقعیت زنان قصر بالاتر بود، دسترسی آنها به خزانه داروها بیشتر می‌شد. بانوان قدرتمند، پزشک مخصوص خود را داشتند که دستیابی به درجات حکومتی را با وابستگی به وی می‌توانست طی کند (عبدالکریم احمد، ۱۹۹۳: ۴۵). هریک از همسران خلیفه، کارمندی مخصوص به خود داشت که به «استاد» ملقب بود و برای اشاره به همسری معین، نام استاد او را در کنارش می‌آوردند؛ مانند: جبهه مکنون، جبهه ظل و جبهه

^۱ «زین الخزان»، به معنای زینت‌دهنده خزانه‌داران است.

جوهر (همان). خدمتکارانی که امور گوناگون قصر توسط آنها اداره می‌شد و نیز زنانی که به همسران خلفا خدمت می‌کردند، با عنوان «المستخدمات عند الجهات العالیة» در سلسله‌مراتب بالای اجتماعی ثبت شده‌اند (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۹۵).

۳. مشارکت در امور سیاسی

در زمینه کارکردهای سیاسی زنان در قصرهای خلافت فاطمی، می‌توان به دخالت‌های آنان در معادلات قدرت و سیاست اشاره کرد. آنان کارکردهای مهمی در برخی شرایط سیاسی خاص و بحران‌های حکومتی داشتند. معروف است که ست‌الملک یا سلطانه دختر خلیفه العزیز و مادر مسیحی‌اش، تأثیر بسزایی بر خلیفه العزیز (۳۶۵-۳۸۶ ق/ ۹۷۵-۹۹۶ م) و سیاست رواداری مذهبی که به نفوذ مسیحیان در اداره امور حکومتی منجر شد، داشتند. آنها در اداره امور دیوان‌ها و قصور، صاحب حکم اجرایی بودند. ست‌الملک، در دوره خلافت برادرش الحاکم، به بعضی از عملکردهای خلیفه معترض گردید. وی در ترور برادرش، خلیفه الحاکم، تأثیرگذار بود. اقدامات سلطانه برای روی کار آمدن برادرزاده‌اش، الظاهر لاعزاز دین‌الله (۴۱۱-۴۲۷ ق/ ۱۰۲۱-۱۰۳۶ م) و مقام نیابت حکومت در سال‌های ابتدایی خلافت وی نیز از اقتدار سیاسی وی حکایت دارد. در زمان حکومت فرزند الظاهر با نام «المستنصر» (۴۲۷-۴۸۸ ق/ ۱۰۳۶-۱۰۹۴ م) نیز شاهد قدرت‌یابی بانویی سودانی می‌باشیم که مادر المستنصر بود و با لقب «ام‌المستنصر رصد» در امور حکومتی حکم اجرایی داشت. وی در حکومت فاطمی، بسیار صاحب نفوذ بود و به نفع کسانی که مورد حمایت او بودند، جاسوسی می‌کرد (مقریزی، ۱۹۹۶، ج ۳: ۱۵-۱۷). وسعت سرزمین‌های تحت سلطه فاطمیان در عهد المستنصر، این امکان را برای رصد فراهم آورده بود که بر قسمت‌های مهم از جهان اسلام فرمانبرداری داشته باشد. در دوره خلافت الظاهر تا المستنصر که از مهم‌ترین دوره‌های حکومت فاطمیان در مصر می‌باشد. ست‌الملک و رصد، توانستند نقش اساسی در امور حکومتی مصر ایفا کنند و منشأ معادلات سیاسی پایداری در خلافت فاطمی باشند. در دوره خلفای بعدی نیز کارکردهای سیاسی زنان پابرجا بود. خلیفه الأمر، کنیزی بانفوذ داشت که یکی از کارکردهای وی، برملا کردن توطئه‌های وزیر افضل، از جمله نقشه مسموم کردن الأمر بود (ابن تغری بردی، ۱۳۹۲، ج ۵: ۲۱۸).

عمه خلیفه العاضد نیز در توطئه قتل صالح طلائع بن رزیک در سال ۵۵۶ ق/ ۱۱۶۱ م

دست داشت. صالح طلائع الرزیک^۱ پس از اینکه دخترش را به ازدواج خلیفه درآورده بود، بر امور قصر سیطره یافته بود و زنان قصر از فشار او و سلطه‌گری‌هایش در امان نبودند. بر همین اساس، عمه العاضد برای رهایی از دست وی، فرماندهان مصری را با پول و هدایا تطمیع نمود و به قتل او واداشت (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۲۷۴-۲۷۵).

۴. بهره مندی از مهرها و نشان‌های رسمی حکومتی

برخورداری از مهرها و نشان‌های رسمی در هر زمان، از دستیابی به نفوذ و قدرت سیاسی حکایت دارد. زنان فاطمی، نشان‌ها و یا مهرهایی داشتند که کارکرد سیاسی و نفوذ حکومتی آنها را نشان می‌داد. علامت یا نشان، چیزی بود که خلفا و حاکمان مسلمان در اوراق رسمی و مکاتبات خصوصی روی آن امضا می‌کردند تا بدین ترتیب، به رسمیت شناخته شود. این مهر، به شکل یک عبارت دینی بود که در مکاتبات رسمی پس از «بسم الله الرحمن الرحیم» می‌آمد. علامت یا مهر، در کنار آن عبارت می‌آمد. مهر همه خلفای فاطمی، عبارت «الحمد لله رب العالمین» بود (شیال، ۱۴۲۲: ۳ و ۲۱۹). مهرهای مخصوص زنان فاطمی، مختلف بود. با وجود اینکه تعداد بسیاری از عنوان‌های این مهرها به دست ما نرسیده، اما از منابع چنین برمی‌آید که نشان مخصوص مادر المستنصر و دختر الظاهر و نیز خواهر المستنصر، عبارت «الحمد لله ولی کل نعمة» بود. نشان مادر خلیفه المستعلی نیز «الحمد لله علی نعمة» بود (عبدالکریم احمد، ۱۹۹۳: ۵۴).

باید تاکید کرد که در کنار عناوین خاص که به زنان حلقه حکمرانی فاطمی اختصاص می‌یافت، برخورداری از مهرها و نشان‌ها نیز کارکردهای سیاسی آنها را اثبات می‌کند. برخورداری از مهرها که لقب حکومتی زنان بر آن حک شده بود، امتیازی خاصی بود و مهمور شدن فرمان یا حواله یا هر نامه رسمی، اعتبار ویژه‌ای به آن می‌بخشید. موضوع دیگری که به مقام و موقع زن در جامعه عصر فاطمی قوت می‌بخشید، بافت اجتماعی مصر بود که در آن، اقلیت‌های مذهبی آزادانه زندگی می‌کردند و کارکرد زنان اهل ذمه می‌توانست به مشروعیت بیشتری در زمینه کارکرد سیاسی زنان مسلمان در این حوزه از سرزمین‌های اسلامی منجر گردد؛ زیرا این زنان به عنوان نمونه‌ای از زنان حکومتگر در جامعه مصر،

^۱ صالح طلائع بن رزیک، یکی از وزرای ارمنی خلافت فاطمی بود که از سال ۵۴۹ تا سال ۵۵۶ ق. وزارت خلیفه الفائز بنصرالله و العاضد بالله فاطمی را بر عهده داشت.

عملکردی اثرگذار بر امور حکومتی و سیاسی داشتند.

ب. کارکردهای اجتماعی و فرهنگی زنان فاطمی

منظور از کارکردهای اجتماعی و فرهنگی، اقدامات معینی است که زنان فاطمی در خلافت به عنوان گروهی برخوردار از قدرت سیاسی در حلقه حکمرانی و دارای مقبولیت اجتماعی در جامعه آن عصر به انجام رسانیدند. در خلافت فاطمی هرکدام از نهادهای برخوردار از ثروت و قدرت، تلاش می‌کردند در راستای برخورداری از حمایت جامعه، امور مهمی را بر عهده بگیرند. زنان فاطمی، جریانی اثرگذار را در خلافت فاطمی در حوزه اجتماع و فرهنگ رقم زدند که در رشد اجتماعی شهر قاهره، و به تبع آن، سرزمین‌های خلافت بسیار تأثیرگذار بود. در زمینه کارکردهای فرهنگی نیز که در این مبحث در کنار کارکردهای اجتماعی مورد توجه واقع شده است، باید بیان داشت که نکته اصلی و حایز اهمیت، توجه به پیشینه فرهنگی شیعه اسماعیلی و مطابقت امور مورد نظر با آموزه‌های اسلامی و نیز هماهنگی این نگاه فرهنگی با جامعه مصر بود که دارای میراث فرهنگی خاص خود بود. آنها با استفاده از سیاست‌های فرهنگی و نیز بهره‌مندی از آموزه‌های نظام دعوت فاطمی، کارکردهای فرهنگی اثرگذاری را به ظهور رسانیدند. ورود بی‌درپی این زنان در دوران خلفا به امور اجتماعی و فرهنگی جامعه مصر، به ایجاد جریانی مستمر در این کارکردها منجر بوده است.

پیش از ورود به بحث کارکردهای اجتماعی و فرهنگی زنان خاندان فاطمی، باید بیان داشت، علاوه بر آنکه شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر هرکدام از خاندان‌های حکومتگر مسلمان نقش تعیین‌کننده‌ای در ارزش‌گذاری به مقام زن داشته است، عوامل تأثیرگذار دیگری نیز دارای اهمیت می‌باشد. خلافت فاطمیان مصر به عنوان داعیه‌داران مذهب شیعه اسماعیلی، بر اساس پیش‌فرض‌های خاصی در مغرب جهان اسلام و در نهایت، مصر اسلامی، صاحب قدرت و تمامیت ارضی شدند. نگاه آنها به خلافت اسلامی و تعلیمات ویژه مذهبی، تأثیری خاص بر ارزش‌گذاری به مقام زن در آن سرزمین گذاشت. استفاده از نام فاطمه زهرا علیها السلام علاوه بر آنکه آوازه‌ای ویژه را در جهان آن روز برای این خلافت به ارمغان آورد، توانست بر تصمیم‌گیری‌های آنان در ارتباط با زنان خاندان خود، و همچنین زنان مسلمان و غیرمسلمان ساکن مصر، تأثیرگذار باشد. در این راستا، مقام و موقعیت زنان در

جامعه و سیاست خلافت فاطمی مصر، بسیار شایان توجه و تحلیل می‌باشد. نکته دیگر، تعلیمات مذهب اسماعیلیه و نظام دعوت در مصر عصر فاطمی بود که نگاه ویژه‌ای به تعلیم زنان داشت؛ حضور زنان در مجالس دعوت، در منابع عصر فاطمی تأیید شده است و این امر، به حضور مذهبی و اجتماعی پررنگ‌تر زنان نسبت به دیگر حکومت‌های اسلامی، و نیز به موقعیت برتر زنان متصل به خاندان فاطمی می‌انجامید. عامل دیگری که در این گوشه از گستره بزرگ جهان اسلام، در ارزش‌گذاری به مقام زن تأثیرگذار بوده، جامعه مصر و حضور قبایل بربر و عرب در بافت اجتماعی خاص مصر می‌باشد. البته این عامل، به مشابَهت خلافت فاطمی با دیگر حکومت‌های قرون میانه اسلامی می‌انجامید.

۱. کارکردهای اجتماعی و فرهنگی زنان فاطمی در مراسم اجتماعی و فرهنگی

کارکرد اجتماعی زنان خاندان فاطمی، از این منظر قابل توجه می‌باشد که زنان قصر فاطمی، در جشن‌هایی که در قصر برپا می‌شد، شرکت می‌کردند. حضور آنها در جشن غدیر و عید قربان، شب نیمه شعبان و عید فطر (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۶۸)، دلیلی بر تأکید خلافت فاطمی در بهره‌برداری از این مراسم در جهت تحکیم مشروعیت خود بود. علاوه بر آن، زنان قصر در مجالس شعرخوانی و شب شعر نیز شرکت می‌نمودند و هرگاه شعری در مدح خلفا می‌شنیدند، به شاعران اموال و هدیه عطا می‌کردند (همان: ۳۲۷). این امر، در جهت ایجاد زمینه‌ای در افزایش مشروعیت و محبوبیت خلفا در جامعه مصر، از ابتدا تا انتهای خلافت دنبال می‌گردید.

یکی دیگر از کارکردهای اجتماعی زنان فاطمی، ایجاد پیوندهای اجتماعی با جامعه مسیحی قبطی مصر بود که سیاست تسامح و تساهل مذهبی خلفا از ابتدای ورود فاطمیان به مصر، در جهت همین تعامل و تحکیم پیوندها بود. زنان حرم فاطمی در مراسم اعیاد مسیحیان، به‌ویژه عید غطاس شرکت می‌جستند. زنان قصر در این مراسم تلاش می‌کردند که همدلی اقلیت‌های مذهبی و نژادی مصر با خلافت فاطمی را رغم بزنند. اگرچه خروج زنان از قصر به مناسبت‌ها و مراسم محدود بود، اما چون مناسبت‌های شیعیان فاطمی و نیز قبطیان مسیحی مصر زیاد بودند، بنابراین، زنان حرم در اجتماع مصر بیشتر از دیگر جوامع اسلامی دیده می‌شدند (عبدالکریم احمد، ۱۹۹۳: ۴۷). در منابع بیان شده که از دوره العزیز، این مراسم به ایجاد ارتباط‌های نزدیک زنان فاطمی با جامعه قبطی مسیحی مصر منجر

گردیده است.

۲. مشارکت زنان در امور عمرانی و عام المنفعه

منزلت اجتماعی و برخورداری مالی زنان فاطمی، زمینه‌های عملی ورود آنها را به جامعه مصر فراهم کرد. آنها در این زمینه کارکردهای مهمی را به عهده گرفتند؛ تا آنجا که قرن‌ها بعد از خلافت فاطمی، جامعه مصر را تحت تاثیر قرار داد. ساخت بناهای عام المنفعه، از عادی‌ترین کارکردهای اجتماعی زنان قصر فاطمی بود. حضور در فعالیت‌های عمرانی با برخورداری از نفوذ سیاسی، و در نتیجه، قدرت اقتصادی و نیز منزلت اجتماعی، رابطه‌ای مستقیم داشت. شاید توجه زنان به برپایی برخی بناها و تأسیسات، در اصل به میل خلفای فاطمی به عمران و آبادانی برمی‌گردد؛ اما نقش‌پذیری آنها در انجام این اقدامات، اهمیت دارد.

تأسیساتی که مربوط به زنان در آن دوره است، اغلب رنگ دینی دارند؛ مانند مساجد، مصلاها، بارگاه و مشاهد شرفا، نوانخانه‌ها، رباط‌ها برای اسکان صوفیان و عارفان و آب‌انبارها و حوض‌ها جهت جمع‌آوری آب مورد نیاز مردم (همان: ۷۰-۵۹). بیشتر این بناها، در خارج از قاهره و در قرافه بوده است (همان: ۵۹). از جمله آثار باقیمانده از زنان خاندان فاطمی، چندین مسجد برجسته می‌باشد که در متون بعد از دوره فاطمی از آنها یاد شده است.

مسجد جامع قرافه، یکی از تأسیسات بانو سیده تغرید، همسر خلیفه المعز است. بانو تغرید، یکسال پس از مرگ المعز، در سال ۳۶۶ ق شروع به برپایی این بنا کرد. شاید به این دلیل که المعز به زهد‌گرایی داشت و در نتیجه، این زن فرصت هزینه اموال برای برپایی آن بناها را نداشت (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۴۲۹). مسجد جامع الأزهر، دومین مسجدی است که فاطمیان آن را در مصر بنا کردند. به همین دلیل، به لحاظ ظاهری مانند الأزهر ساخته شده است (همان: ۳۱۳). مسجد جهه بیان نیز در دشت کنار مسجد الاقدام در جوار مزار دختر جهه الحافظیه، معروف به جهه بیان الحسامی ساخته شد (همان، ج ۴: ۳۳۶).

مسجد النارج، همسر خلیفه الأمر، به نام «جهه الدار الجدیده»، به ساخت این مسجد همت گمارد و دو هزار دینار برای این مسجد هزینه کرد. این مسجد، در بیرون شهر قاهره به سمت آب‌انبار ابن طولون در فسطاط مقابل قرافة الکبری بنا گردید (همان: ۳۳۳).

بنای مذهبی مسجد الاندلس نیز توسط سیده علم الأمریه بنا گردید. اعتبار او، همانند سیده تغرید، بانوی المعز می‌باشد. وی در ساخت مساجد و عمارت‌های عام المنفعه، از بانو تغرید پیروی می‌کرد. بنای این مسجد در شرق قرافه الصغری در سال ۵۲۶ق/۱۱۳۲م به انجام رسیده است (همان: ۳۳۳-۳۳۴).

از جمله مساجد دیگری که توسط بانوان دربار فاطمی بنا گردیده، می‌توان به مسجد سیده رقیه که توسط بانو علم الأمریه ساخته شد. مسجد ام عباس، مسجد چله ریحان و مسجد مکنون نیز توسط زنان فاطمی بنا گردید (همان: ۳۳۵-۳۳۶). این کارکرد فرهنگی و عمرانی زنان فاطمی و توجه به ساخت بناهای باشکوه، همچنین به پیشرفت هنرهای ظریفه دیگر در کنار هنر و معماری نیز منجر گردید. بدین‌گونه، باید گفت که رباطها، یادمان‌ها و زیارتگاه‌ها، مصلی‌ها و نیز مراکز خیریه و یتیم‌خانه‌های دوره فاطمی، مراکزی از نمایش هنرهای اسلامی قرون میانه نیز بوده است؛ ساختمان‌هایی که زنان خاندان فاطمی با ذوق و علاقه و با صرف وقت و هزینه‌های زیاد به یادگار گذاشتند (عبدالکریم احمد، ۱۹۹۳: ۵۹-۶۶).

نتیجه

آنچه در این پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت، مقام و موقعیت زن به عنوان بخش مهمی از جامعه اسلامی در برهه‌ای از تاریخ اسلام بود. با توجه به ارزش‌گذاری اسلام به مقام و موقعیت زن، در هرکدام از حکومت‌هایی که در گستره سرزمینی اسلام تشکیل گردیدند و داعیه‌دار تمدن اسلامی شدند، این مقام و موقعیت، متفاوت بوده است. در این پژوهش، تلاش گردید که موقعیت زن در حلقه حکمرانی فاطمی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد؛ زیرا در واقع، این زنان، طبقه خاصی بودند که آئینه تمام‌نمایی از حضور زن را در اجتماع، سیاست و فرهنگ به تصویر می‌کشند و زنان طبقه عام، در واقع، تابعی از عملکرد زنان طبقه خاص می‌باشند.

بر اساس مقام و موقعیت سیاسی زنان خاندان فاطمی و نیز منزلت اجتماعی آنها که باعث حضور بیشتر آنها در جامعه و حکومت خلافت فاطمی می‌گردید، می‌توان کارکردهای این زنان را گونه‌شناسی کرد. زنانی که در امور سیاسی کارکردهای اثرگذار داشتند و زنانی که به دلیل برخورداری از منزلت اجتماعی و مذهبی در جامعه و فرهنگ مصر، صاحب نفوذ و

موقعیت بودند. بر این اساس، زنانی از خاندان فاطمی با کسب ثروت و حضور در امور اداری قصر، موفق به کسب موقعیت‌های برتر در زمینه اقتصادی و نیز سیاسی گردیدند و توانستند اقدامات گسترده‌ای را در سلسله‌مراتب اداری و سیاسی خلافت فاطمیان مصر رقم بزنند. این کارکردها یا در جهت منافع سیاسی خلافت بود و نتایج مثبتی را عرضه کرد یا در خلاف منافع سیاسی توانست آثار زیان‌باری در حلقه‌ی حکمرانی فاطمی بر جای نهد. دخالت‌های سیاسی زنان قدرتمند و تأثیرگذاری بر معادلات قدرت در خلافت فاطمی و نیز بعضی از مناصب دربار را به خود اختصاص می‌دادند. آنها همچنان، نقش مؤثری در اجرای رویدادهای عصر فاطمی داشتند. این اثرگذاری، در موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی بزرگی خودنمایی می‌کرد. این حضور، گاهی آن‌چنان بود که سیره‌نویسان و تاریخ‌نویسان مصری، زنی را حاکم مصر می‌دانستند و خلیفه را در تصمیم‌گیری‌ها، مقام بعد از آن زن به حساب می‌آوردند.

القاب بانوان در حلقه‌های حکمرانی فاطمی نیز از اختصاصات این خلافت در ارزش‌گذاری به موقعیت زنان می‌باشد. القابی که استفاده می‌کردند، تقلیدی از لقب‌های رایج در خلافت عباسی بود. موضوعی که حضور زنان فاطمی را در امور سیاسی و حکومتی از دیگر خاندان‌های حکومتگر متفاوت می‌کند، نشان‌ها و یا مهرهایی است که حاکی از قدرت سیاسی و نفوذ حکومتی زنان قدرتمند فاطمی است؛ علامت‌ها یا نشان‌هایی که خلفای فاطمی در اوراق رسمی و مکاتبات خصوصی روی آن امضا می‌کردند؛ تا بدین ترتیب، به رسمیت شناخته شود. این مهرها، هم‌تراز با مهر خلیفه، دارای اعتبار بود.

ثروت و برخورداری خلفای فاطمی، رفاه و آسایش را برای مصر به ارمغان آورد و نمودهای این رفاه، علاوه بر آنکه در حلقه حکمرانی قابل مشاهده بود، توانست جامعه مصر را به عنوان مرکز جشن‌ها و مراسم و پایکوبی‌های اقشار مختلف مردم و نیز اهل‌ذمه قرار دهد. در این جامعه، زنان فاطمی و نیز زنان اهل‌ذمه توانستند کارکردهای اجتماعی و فرهنگی بیشتری را در عرصه‌های مختلف به ظهور برسانند. زنان قصر فاطمی در جشن‌هایی که در قصر برپا می‌شد، شرکت می‌کردند؛ مانند جشن غدیر و عید قربان، شب نیمه شعبان و عید فطر. زنان قصر در مجالس شعرخوانی و شب شعر نیز شرکت می‌نمودند.

ارزش‌گذاری زنان از نگاه مذهبی و نیز حرمت‌گذاری زنان خاندان فاطمی از جهات نسب فاطمی، منزلت اجتماعی خاصی را به آنها می‌بخشید که کارکردهای آنان را در امور مذهبی،

اجتماعی و عمرانی رقم می‌زد. زنان فاطمی، از ثروت و منابع مالی فراوانی برخوردار بودند. آنها تلاش می‌کردند که از این توانمندی، در امور خیر و ساخت بناهای مقدس بهره بگیرند. بناهایی که زنان فاطمی به یادگار گذاشته‌اند، چه آنها که خود دستور داده و برای آن هزینه نموده‌اند و چه بناهایی که از سوی خلفا برای ایشان برپا شده، بسیار می‌باشد. تأسیساتی که مربوط به زنان در آن دوره است، اغلب رنگ دینی دارند؛ مانند: مساجد، مصلاها، بارگاه و مشاهد شرفا، نوانخانه‌ها، رباط‌ها برای اسکان صوفیان و آب‌انبارها و حوض‌ها جهت جمع‌آوری آب مورد نیاز مردم.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن بن ابی‌الکرم (۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م)، *الکامل فی التاریخ*، جلد یازدهم، بیروت: دارالصادر.
- ابن ایاس، محمد بن احمد (بی‌تا)، *بدایع الزهور فی الوقایع الدهور*، تحقیق: محمد مصطفی، جلد اول، چاپ جدید، قاهره: مکتبه مدبولی.
- (بی‌تا)، *جواهر السلوک فی أمر الخلفاء والملوک*، تحقیق: محمد زینهم محمد عزب، قاهره: دار الثقافة.
- ابن تغری بردی، جمال‌الدین ابوالمحاسن یوسف (۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م)، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة*، قاهره: وزارة الثقافة والارشاد القومي، المؤسسة المصرية العامة.
- ابن صیرفی مصری، ابوالقاسم علی بن منجب (۱۹۲۴)، *الاشارة إلى من نال الوزارة*، تحقیق: عبدالله مخلص، قاهره: مهده العلمی الفرانسی.
- ابن طویر، ابومحمد مرتضی عبدالسلام بن حسن قیسرانی (۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م)، *نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین*، تحقیق: ایمن فؤاد سید، بیروت: دارالصادر.
- (۱۹۵۴)، *السجلات المستنصرية*، تحقیق: عبدالمنعم ماجد، القاهره.
- انطاکی، یحیی بن سعید (بی‌تا)، *تاریخ الانطاکی المعروف بصله تاریخ اوتیخاء*، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، طرابلس: جروس برس.
- بریمو، آلبر (۱۳۳۷)، «گونه‌شناسی در بررسی‌های اجتماعی»، *نامه پژوهشکده*، سال دوم، شماره اول، بهار.
- چلونگر، محمدعلی (۱۳۹۳)، «جایگاه زنان در تشکیلات دعوت فاطمیان»، *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، شماره ۱۵، پاییز و زمستان: ۱۰۵-۱۲۰.
- ساروخانی، باقر (بی‌تا)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شیرازی، المؤید فی‌الدین (۱۹۴۹)، *السيرة المؤیدية*، ترجمه: حیاته بقلمه، تحقیق: محمد کامل حسین، قاهره.
- شیال، جمال‌الدین (۱۴۲۲ق/۲۰۰۲م)، *مجموعه الوثائق الفاطمية؛ وثائق الخلافة والولاية العهد والوزارة*، قاهره: الثقافة الدينية.
- عبدالحمید سلطان، عبدالمنعم (۱۹۹۹)، *الحياة الاجتماعية فی العصر الفاطمی (دراسة تاریخیة و وثائقية)*، بیروت: دار الثقافة العلمية.
- عبدالکریم احمد، نریمان (۱۹۹۳)، *المرأة فی مصر فی العصر الفاطمی*، قاهره: الهيئة

٢٧٤ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هفتم، شماره ١٤، پاییز و زمستان ١٣٩٨

المصرية للعامة الكتاب.

عنان، محمد عبدالله (١٤٠٤ق/١٩٨٣م)، *الحاكم بامر الله واسرار الدعوة الفاطمية*، الطبعة الثانية، قاهره: مكتبة الخانجي بالقاهرة ودار الرفاعي بالرياض، مطبعة المدنى، المؤسسة السعودية بمصر.

قلقشندى، احمد بن على (بى تا)، *صبح الأعراس فى الصناعة الانشاء*، جلد دوم، محقق: شمس الدين محمد حسين، بيروت: دار الكتب العلمية.

لوئيس، برنارد (١٣٧٠)، *بنيادهاى كيش اسماعيليان*، ترجمه: ابوالقاسم سرى، تهران: انتشارات ويسمن.

ماجد، عبدالمنعم (١٩٨٥)، *نظم الفاطميين ورسومهم فى مصر*، چاپ دوم، قاهره: مكتبة الانجلو المصرية.

— (١٩٧٩)، *نظم الدولة سلاطين المماليك ورسومهم فى مصر* (دراسة شاملة للنظم السياسية)، چاپ دوم، قاهره: مكتبة الانجلو المصرية.

— (١٩٦٠)، *الامام المستنصر بالله الفاطمى*، قاهره: مكتبة الانجلو المصرية.

— (١٤١٤ق/١٩٩٤م)، *ظهور الخلافة الفاطمية وسقوطها فى مصر*، الطبعة الرابعة، قاهره: دار الفكر عربى.

متز، آدام (١٣٦٤)، *تمدن اسلامى در قرن چهارم هجرى*، ترجمه: عليرضا ذكاوتى قراگزلو، تهران: اميركبير.

مصطفى عامر، فاطمه (١٩٩٩)، *تاريخ اهل الذمة فى مصر الاسلامية: من الفتح العربى الى نهاية العصر الفاطمى*، جلد اول، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

مصطفى مشرفه، عطيه (١٣٦٧ق/١٩٤٨م)، *نظم الحكم بمصر فى العصر الفاطميين* (٣٥٨-٥٦٧ق/٩٦٨-١١٧١م)، قاهره: دار الفكر العربى.

مقريزى، احمد بن على (١٤١٨)، *المواعظ والاعتبار بذكر خطط والآثار*، جلد دوم، بيروت: دار الكتب العلمية.

مقريزى، تقى الدين احمد بن على بن عبدالقادر (١٤١٦ق/١٩٩٥م)، *المواعظ والاعتبار فى ذكر الخطط والآثار*، جلد اول، تحقيق و فهرس: ايمن فوادسيد، لندن: الفرقان التراث الاسلامى.

—، *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء*، تحقيق: محمد حلمى محمد احمد، چاپ دوم، قلوب - قاهره: مطابع الاهرام التجارية، ١٩٩٦م.

نويرى، شهاب الدين احمد بن عبدالوهاب (١٤٢٣)، *نهاية الارب فى فنون الادب*، قاهره: دار لكتب والوثائق القومية.